

فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره شاپا: 1735-739X

دوره ۱۲، شماره ۳ (پیاپی ۶۵)، بهار ۱۴۰۰

واکاوی قدرت نفوذ عربستان سعودی در منطقه و جهان اسلام و راهبرد مقابله با ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

حسین پوراحمدی*

صابر قیاسی**

یاسر قائمی***

چکیده

منابع نفوذ و تأثیرگذار از ابزارهای نرم‌افزاری کشورها در اجرای راهبردها و پیگیری اهداف سیاست خارجی به‌ویژه در سطح منطقه‌ای می‌باشند. در خاورمیانه نیز بسیاری از کشورها در تلاش برای ایجاد و افزایش نفوذ و تأثیرگذاری خود در سطح منطقه و جهان اسلام می‌باشند. یکی از این کشورها عربستان سعودی است که با استفاده از ابزارها و منابع متنوع خود به دنبال افزایش نفوذ در منطقه و جهان اسلام و به ویژه مقابله با قدرت و نفوذ ایران می‌باشد. عربستان سعودی، نقش آفرینی ایران در تقویت محور مقاومت، نفوذ در شبه جزیره عربستان، عراق، لبنان، سوریه و تشکیل هلال شیعی و بسیاری عوامل دیگر را به عنوان مداخله و نفوذ ایران در حوزه خاورمیانه عربی مطرح نموده و به شدت نگران تسلط ایران بر منطقه و کاهش قدرت خود است. به همین دلیل، علاوه بر قدرت نظامی و سخت، با استفاده از منابع و ابزارهای نفوذ و تأثیرگذار، به دنبال افزایش قدرت و نفوذ خود و پیگیری راهبرد منطقه‌ای مقابله با ایران می‌باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به دنبال واکاوی و تشریح منابع و ابزارهای قدرت و نفوذ عربستان سعودی در منطقه و جهان اسلام و در مقابله با ایران و در نهایت موانع و ضعف قدرت نفوذ عربستان در منطقه می‌باشد.

واژگان کلیدی: عربستان، نفوذ، فرهنگ، ارزش‌های اقتصادی - سیاسی، سیاست خارجی، ایران.

* استاد گروه علوم سیاسی
وروابط بین الملل دانشگاه
شهید بهشتی

h-pourahmadi@
sbu.ac.ir

** دانش آموخته کارشناسی
ارشد روابط بین الملل
دانشگاه شهید بهشتی
(نویسنده مسئول)

ghiyasisaber@gmail.
com

*** دانش آموخته کارشناسی
ارشد روابط بین الملل
دانشگاه شهید بهشتی

yasserghaemi@
yahoo.com

مقدمه

ایران و عربستان با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود از مهمترین بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه می‌باشند که در مسائل گوناگونی رقابت و البته خصومت دارند، به گونه‌ای که برای دستیابی به منافع و موقعیت بهتر با یکدیگر روابط آنها روندی سینوسی و متغیر داشته است. رقابت دو کشور در هزاره جدید میلادی و از سال ۲۰۰۳ و به‌ویژه با شروع تحولات عربی در سال ۲۰۱۱ شکل رویارویی و تقابل به خود گرفته است. در واقع، بعد از سقوط صدام در عراق و به دنبال آن جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله با اسرائیل و در ادامه با شروع تحولات عربی در سال ۲۰۱۱ در منطقه، قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه بسیار افزایش پیدا کرد و باعث توجه و نگرانی رقبای منطقه‌ای آن از جمله عربستان سعودی شد و اقدامات رقابت آمیز و مقابله جویانه آنها را به دنبال داشت.

عربستان سعودی به منظور مقابله با چالش نفوذ و قدرت روزافزون ایران در منطقه از ابزارها و استراتژی‌های مختلفی بهره می‌گیرد که از جمله این ابزارها می‌توان به ابزارهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و سیاست خارجی عربستان در منطقه اشاره کرد که می‌توان آنها را بر اساس تئوری قدرت نفوذ تبیین و بررسی کرد. به همین دلیل، شناخت توانایی‌ها و ابزارهای قدرت تاثیرگذاری و نفوذ عربستان سعودی برای نفوذ در منطقه و جهان اسلام و در راهبرد مقابله با ایران ضروری می‌نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر با طرح این سؤال که منابع و ابزارهای قدرت تاثیرگذار و نفوذ عربستان سعودی در منطقه و جهان اسلام در راهبرد مقابله با ایران چیست؟ این فرضیه را مطرح می‌نماید که منابع و ابزارهای قدرت و نفوذ عربستان سعودی در منطقه و جهان اسلام در مقابله با ایران در حوزه‌های فرهنگی (بویژه اسلام و ترویج دکتین اسلام و اداره مکه و مدینه)، سیاسی و اقتصادی (بویژه وهابیت، قدرت مالی و اقتصادی) و سیاست خارجی (بویژه عضویت و حمایت‌های مالی در مجامع و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، رسانه‌ها و روش‌های آموزشی) می‌باشد که با به کارگیری آنها در پی محدود کردن فعالیت‌های ایران و تخریب شیعیان در منطقه و جهان اسلام است.

پیشینه پژوهش

در زمینه قدرت نفوذ و تأثیرگذاری عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه و به طور موکد در مقابله با ایران، تاکنون پژوهش جامع و کاملی صورت نگرفته و مقالاتی که در این زمینه وجود دارد به طور کلی در حاشیه و بخشی از مقالات به این مسئله پرداخته و اکثر مقالات نوشته شده در چارچوب تئوری قدرت نرم به بررسی موضوع پرداخته‌اند. این در حالی است که قدرت نرم آنگونه که در گفتمان غربی و بر اساس دیالوگ‌های نظریه پرداز اصلی آن جوزف نای تعریف می‌شود با مفهوم شرقی آن و گفتمانی از قدرت نرم که در اسلام و کشورهای منطقه خاورمیانه کاربرد دارد متفاوت است. در منطقه و در میان کشورهای خاورمیانه بیشتر بحث نفوذ و تأثیرگذاری مطرح است. لذا این پژوهش به دنبال شناسایی و تبیین منابع و ابزارهای نفوذ و تأثیرگذاری عربستان سعودی در منطقه و در مقابله با ایران است.

قنبرلو در مقاله‌ای با عنوان «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه» معتقد است که قدرت نرم عربستان سعودی عمدتاً محصول نقش و جایگاه دینی اش در جهان اسلام بوده، اما به لحاظ شاخص‌های سیاسی و حتی اقتصادی ملی کارنامه درخشانی ندارد (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۳۴). هرسیچ و رحیمی در مقاله پژوهشی «تحلیل تطبیقی تأثیر تحولات سیاسی ۲۰۱۱ منطقه بر میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان» معتقد است که ترکیب قدرت اقتصادی نفت به عنوان بزرگ‌ترین تولید کننده نفت در جهان و قرار گرفتن اماکن مقدس مذهبی در این کشور ترکیب مهمی از قدرت نرم را در این کشور به وجود آورده است (هرسیچ و رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). کوهکن و نزاکتی در مقاله «دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی عربستان» می‌گویند: نظام سعودی نگاهی هویتی به دیپلماسی عمومی دارد و از منابع هویتی اسلام و عربیت در این راستا نفع می‌برد. عربستان سعودی با استفاده از مزیت وجود حرمین شریفین در خاک این کشور و فرصت استثنایی برگزاری کنگره عظیم حج در هر سال خود را به عنوان رهبر جهان اسلام معرفی می‌کند و توجه جمعیت فراوان مسلمانان جهان را به خود جلب می‌کند (کوهکن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۳۱).

در میان پژوهش‌های لاتین نیز گیلیو گالاروتی (Gallarotti, Giulio) و ایسام یحیی الفیلالی (Al-Filali Isam Yahia) در پژوهش خود با عنوان «Saudi Arabia's Soft Power»، (قدرت نرم عربستان سعودی)، در «Studies International»، چاپ سال 2012، بیان می‌کنند که برخلاف آنچه که اکثراً گفته می‌شود عامل اصلی قدرت عربستان سعودی نفت نیست، بلکه قدرت نرم و فرهنگی عربستان سعودی است و مؤلفه‌های این قدرت را بیان می‌کنند.

چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

الف) مفهوم قدرت

اندیشمندان حوزه علوم سیاسی و اجتماعی تعاریف متعددی از قدرت ارائه داده‌اند. برخی قدرت را مترادف توان ایجاد تغییر یا ایستادن در برابر آن می‌دانند و برخی نیز آن را مترادف توانایی دستیابی به خواسته‌ها دانستند (نای، ۱۳۹۲: ۴۶). دوروژه می‌گوید: «مفهوم قدرت بسیار وسیع و مبهم است. مثلاً رئیس دولت صرفاً فرمانروا و قدرتمند است، شهروند ساده صرفاً فرمانبر و تحت قدرت است و بقیه افراد هم فرمانبرند و هم فرمانده» (دوروژه، ۱۳۵۸: ۲۰-۲۱). در تعریفی دیگر، برتراند راسل قدرت را ایجاد اثرات مطلوب تعریف می‌کند. در نزد وی قدرت مفهومی کمی فرض می‌شود. از این منظر «الف» قدرت افزون‌تری از «ب» دارد، چنانچه بتواند اثرات مورد نظر بیشتری از آنچه «ب» کسب کرده حاصل نماید (تاجیک، ۱۳۷۷: ۹۲). تعاریف فوق نشان‌دهند تقسیم قدرت به توانایی‌های مادی و معنوی است، اما شناسایی مفهوم قدرت همیشه از سوی اندیشمندان این حوزه همراه با جداسازی و تقسیم‌بندی روبرو بوده است. عمده‌ترین تقسیم‌بندی که از قدرت شده، تقسیم آن به دو نوع سخت و نرم به وسیله جوزف نای است (نای، ۱۳۹۲: ۳۳).

در این تقسیم‌بندی منابع و رفتار دولت‌ها برای اعمال قدرت مدنظر قرار گرفته است. در حقیقت این منابع مادی و معنوی و رفتارهای خاص دولت‌ها هستند که اقدامات قدرتمندانه را از خود بروز می‌دهند (نای، ۱۳۹۲: ۴۹). یک تقسیم‌بندی دیگر نیز از مفهوم قدرت به وسیله «ج. دبلیو. بجورکمن» وجود

دارد که در آن مفهوم قدرت را به قدرت آشکار و قدرت پنهان تقسیم می‌کند. قدرت آشکار در واقع همان قدرت سخت و مشهود نظامی است که در مقابل قدرت پنهان قرار دارد. در تعریف قدرت پنهان بجزورکمن می‌نویسد که: نقطه قوت مفهوم قدرت بیشتر در استفاده بالقوه، نه بالفعل، آن نهفته است. مقصود این نیست که هم‌اکنون قدرت در گستره‌ای محدودتر از گذشته اعمال می‌شود، بلکه این است که استفاده از قدرت بیشتر به شیوه‌های ظریفانه، نه مستقیم، پنهان نه آشکار و پوشیده نه نمایان امکانپذیر است. کشورها نیز رفتار خود را از طریق الگوی «واکنش‌های پیش‌بینی شده» یا قدرت پنهان و گهگاه نیز از طریق قدرت نمایی آشکار کنترل می‌کنند. یکی از مصداق‌های قدرت پنهان در روابط بین‌الملل، قدرت نفوذ است (بجزورکمن، ۱۹۸۹).

ب) ماهیت نفوذ

نفوذ و قدرت پیوندی نزدیک با یکدیگر دارند و در موقعیت‌های عملیاتی به سختی از یکدیگر تمیز داده می‌شوند. بجزورکمن می‌نویسد که قدرت و نفوذ مکمل یکدیگرند و تفاوت آن‌ها در این است که پذیرش قدرت اجباری است و با طرح ضرورت انطباق‌پذیری اطاعت افراد را برمی‌انگیزد، اما نفوذ به طور دواطلبانه و حتی ناآگاهانه پذیرفته می‌شود. نفوذ پیروی افراد را بدون توسل به مجازات‌ها و سازوکارهای رسمی برمی‌انگیزد و به جای طرح ضرورت انطباق‌پذیری در پی وفاق و موافقت است و فرصتی را به فرد می‌دهد تا ابتکار شخصی خویش را محفوظ نگه دارد و او نه از روی تحمیل بلکه از سر ترغیب به نفوذ پاسخ می‌دهد. در عمل تعیین اینکه وجود قدرت پنهان تا چه حد به‌سان پایه ایجاد روابط نفوذ به کار می‌آید، ناممکن است (بجزورکمن، ۱۹۸۹)، اما قدرت نفوذ و تاثیرگذار در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مفهومی پرکاربرد می‌باشد.

رابطه نفوذ و تاثیرگذاری ممکن است در هر زمینه‌ای شکل گیرد و بر دو نوع است: نفوذ شخصی که بیشتر مورد توجه رهبران سیاسی و در داخل جوامع شکل می‌گیرد و همچنین به‌سان مفهومی برخوردار از ویژگی شخصی، در خارج از ساختارهای رسمی نیز مطرح است؛ نفوذ مبتنی بر منزلت و موقعیت

که علاوه بر روابط شخصی، در عرصه سیاست خارجی و در روابط بین کشورها نیز مطرح و شکل می‌گیرد و ممکن است به صورت برنامه‌ریزی شده و محافظت شده نمایان شود (کوتز و اودانل، ۱۹۶۵: ۵۳). منزلت و موقعیت کشورها پدیده‌ای اجتماعی است که در مقایسه با دیگران ارزش پیدا می‌کند و به افزایش نفوذ کشورهای دارای آن کمک می‌کند. در واقع موقعیت و منزلت کشورها در روابط بین الملل منشاء و پایه نفوذ آن‌ها است (بجورکمن، ۱۹۸۹).

ج) منابع و ابزارهای نفوذ

نفوذ و تاثیرگذاری به عنوان وجه‌ای از قدرت، دارای منابع و ابزارهای مختلف غیرمادی و نامحسوس است که در مقابل منابع مادی و محسوس قدرت از جمله ابزار و ادوات نظامی قرار می‌گیرند و این منابع و ابزارها از موقعیت و منزلت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورها در روابط بین الملل و در جامعه جهانی ناشی می‌شود. این منابع و ابزارها عبارتند از؛ فرهنگ؛ فرهنگ عبارت است از دسته‌ای از ارزش‌ها و اعمال که به یک جامعه معنا می‌بخشد. وقتی فرهنگ یک کشور ارزش‌های جهانی یا منطقه‌ای [فرهنگ اسلامی و وجود حرمین شریفین در عربستان سعودی] را شامل شود احتمال اینکه نتایج مطلوب با هزینه اندک تحصیل شود، افزایش می‌یابد و می‌تواند منابع جذابیت و مطلوبیت یک کشور باشد (نای، ۱۳۸۹: ۵۲). بنابراین توسعه جامعه مدنی و تقویت ارزش‌های فرهنگی، ملی و میهنی باعث بالاتر رفتن روحیه ملی و حس اعتماد ملی برای به کارگیری قدرت نفوذ خواهد شد (اردکانی، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۵۲).

منابع و ارزش‌های سیاسی - اقتصادی؛ ارزش‌های سیاسی یک کشور می‌توانند منابع نفوذ و قدرتمندی یک کشور باشند. در واقع دولت‌ها با نفوذ دادن ارزش‌هایشان در سایر کشورها می‌توانند باعث جاذبه و یا دافعه خود شوند. ارزش‌های سیاسی وقتی مبنای عمل قرار می‌گیرند هویت‌ساز می‌شوند و بخشی از فرهنگ سیاسی هر ملتی هستند (احمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۴). ارزش‌های سیاسی می‌توانند معیار سنجش قدرت و ظرفیت یک نظام یا مکتب سیاسی در مواجهه با بحران‌های داخلی و خارجی باشند. به طوری که اگر

ارزش‌های سیاسی یک نظام به گزاره‌ای جهانی (وهابیت در عربستان سعودی) تبدیل شوند امکان برقراری ارتباط و کنش و واکنش را با عناصر نظام جهانی بسیار سهل‌تر و آسان‌تر خواهند کرد (اردکانی، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۵۲). منابع اقتصادی نیز می‌تواند کمک قابل توجه‌ای به توان نفوذ و تاثیرگذاری کشورها کند. به طور مثال؛ کشوری که دارای یک منبع اقتصادی خاص (نفت) است، می‌تواند با استفاده از توان تولیدی خود و درآمدهای حاصل از آن، از طریق کمک‌های بشردوستانه یا کمک به سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای، بر توان نفوذ و تاثیرگذاری خود بی‌فزاید (عسگری، ۱۳۸۹: ۶).

مطلوبیت‌های سیاست خارجی؛ سیاست خارجی می‌تواند قدرت نفوذ را تقویت یا تضعیف کنند. اگر این سیاست‌ها متکبرانه و تنگ‌نظرانه و بدون توجه به آرای دیگران باشند، در کاهش قدرت نفوذ مؤثرند، در مقابل سیاست خارجی صلح‌طلبانه و همکاری جویانه و عضویت در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی مهم می‌تواند باعث ایجاد جذابیت و مطلوبیت در سیاست خارجی و توجه ویژه به کشورهای مورد نظر شود و میزان بالایی از توان نفوذ و تاثیرگذاری را ایجاد کند (نای، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در واقع چنانچه دیگران سیاست خارجی یک کشور را مشروع بدانند و مرجعیت اخلاقی آن را بپذیرند، می‌تواند منبع خوبی برای قدرت نفوذ کشور قلمداد شود (اردکانی، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۵۲). **دانش؛** امروزه کشورهای جهان با بهره‌گیری از دانش‌ها و فن‌آوری‌های نوین، تمام امکانات خویش را به ویژه در حوزه‌های سایبری، مجازی و رسانه‌های گوناگون تجمیع ساخته تا موجبات تقویت قدرت نفوذ آنها فراهم شود. کشور برخوردار از دانش قوی می‌تواند در موقعیت الگویی غالب قرار گرفته و از طریق فرهنگ‌سازی سایر کشورها را تحت تاثیر قرار داده و از این طریق منافع ملی خود را در جهان تضمین کند. بر این اساس دولت‌ها و همه بازیگران سیاسی در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی سعی می‌نمایند قدرت اطلاعاتی و معرفتی خود را در علوم گوناگون افزایش دهند تا از این طریق بر رقبای خویش پیشی گیرند (اردکانی، ۱۳۹۷: ۱۳۰-۱۵۲).

منابع و منشاء قدرت نفوذ عربستان سعودی

در دهه اخیر عربستان سعودی از ابزارهای قدرت نفوذ و تأثیرگذار در سیاست خارجی خود به طور مؤثری بهره می‌گیرد (Ehteshami, 2015: 18)، و منابع بسیاری از قدرت نفوذ و تأثیرگذاری را در اختیار دارد و همچنین دارای وسایل و ابزارهای مختلفی است. منابع اجزاء و علل قدرت هستند و ابزارها روش و توانایی استفاده از قدرت را فراهم می‌کنند (Phillips, 2015: 51). ریاض با استفاده از منابع و ابزارهایی که در اختیار دارد تلاش می‌کند قدرت نفوذ خود را افزایش دهد و سیاست‌ها، اهداف و راهبردهای خود را در منطقه و در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران پی‌گیری کند. قابل توجه‌ترین منابع و ابزارهای قدرت نفوذ عربستان سعودی در حوزه فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و اقتصادی و در حوزه سیاست خارجی می‌باشد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف) فرهنگ

تا قبل از ظهور خورشید عالم تاب اسلام در جزیره‌العرب و بنای حکومت اسلامی توسط پیامبر اسلام، نمی‌توان هیچ رد و نشانه‌ای از تمدن در عربستان پیدا کرد (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). اسلام آنها را به سوی اخلاق و فرهنگ هدایت کرد و از شرک و بت پرستی دور ساخت. بنابراین، اسلام به یکی از مهم‌ترین منابع هویتی و مشروعیت بخشی سیاسی و فرهنگی عربستان تبدیل شد و با گسترش آن در شبه جزیره و داعیه‌داری اعراب بر این دین، به مهم‌ترین منبع قدرت نفوذ آنان بدل گشت (دایسدال و بلیک، ۱۳۶۹: ۲۸۶). بنابراین، داعیه پیروی از اصیل‌ترین مذهب اسلامی سنی (مذهب حنبلی و وهابیت)، ترویج ارزش‌های اسلام وهابی و میزبانی از دو مکان مقدس مکه و مدینه یک منبع عظیم از قدرت نفوذ و تأثیرگذاری و یک ابزار نیرومند برای افزایش پرستیژ و احترام در جهان اسلام را برای عربستان سعودی فراهم آورده تا با بهره‌گیری از آن جهت پیگیری اهداف و راهبردهای خود و مقابله با ایران شیعی اقدام کند.

الف-۱) ترویج دکترین اسلامی: این منبع بزرگترین منبع نفوذ و تأثیرگذاری عربستان سعودی در منطقه است. زیرا این کشور گهواره اسلام و میزبان دو

مکان مقدس تمام مسلمانان جهان است و بر هر مسلمانی واجب است در طول عمر خود یکبار به زیارت این مکان‌ها برود. این اماکن، هر ساله جمعیت بزرگی را از عابدان اسلام گرد هم جمع می‌کنند و بدون شک تأثیر مناسبی را در خاورمیانه و سراسر جهان به جای می‌گذارند. قدرت و توانمندی عربستان سعودی هرچند متفرع از توان اثرگذاری آن بر بازار جهانی نفت است، اما این کشور با بهره‌گیری از این جایگاه منحصر به فرد خود به تحکیم و تقویت دیگر ابعاد قدرت خویش پرداخته و با استفاده از جایگاه حرمین شریفین در جهان اسلام تلاش‌های دیپلماتیک و فرهنگی خود را برای رسیدن به رهبری جهان اسلام بر مبنای محوریت منحصر به فرد این دو مکان مقدس، بنا نهاده است (صادقی و احمدیان، ۱۳۸۹: ۱۴۰). به همین ترتیب، اهمیت مذهبی پادشاهی، قدرت نفوذ آن را غنی می‌کند و توانایی آن را برای مقابله با ایران در منطقه خاورمیانه افزایش می‌دهد (Alanazi, 2015: 34).

الف-۲) ارزش‌های اسلامی: ارزش‌ها به عنوان یک مقیاس و استاندارد پذیرفته شده به منظور عمل و رفتار در یک گروه، سازمان و یا جامعه در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین یک چارچوب به منظور اندازه‌گیری خوب یا بد بودن چیزها در یک جامعه فراهم می‌کنند. ارزش‌ها می‌توانند در دسته بندی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و اخلاقی طبقه‌بندی شده باشند. با توجه به نفوذ دین در مردم به‌ویژه مسلمانان و اهمیت عربستان سعودی به عنوان میزبان دو مکان مقدس (حرمین شریفین)، ارزش‌های اسلامی می‌توانند نقش مهمی در جذب حمایت عمومی داخلی و بین‌المللی از تصمیمات دولت داشته باشند. چنین حمایت عمومی بدون شک یک منبع نفوذ برای عربستان سعودی در خاورمیانه از جمله در رقابت با ایران است (Shoult and Salman, 1999: 16). در واقع، حمایت از ارزش‌های و باورهای اسلامی (سنی) و نفوذ دادن این ارزش‌های در دیگر کشورهای اسلامی منبع جذب و قدرت نفوذ عربستان سعودی شده است.

الف-۳) اداره اماکن مقدس مکه و مدینه: عربستان مهد ظهور اسلام است. مسلمانان جهان بخاطر این موضوع تقدس و اهمیت ویژه‌ای برای عربستان

سعودی قائل‌اند (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۲۴)، و موقعیت آن به عنوان میزبان سالانه مسلمانان (حج) باعث می‌شود عربستان رهبر مذهبی طبیعی جهان اسلام (سنی) تلقی شود (Zeino-Mahmalat, 2012: 55). دولت عربستان سعودی همواره به توسعه مساجد و اماکن مقدس ادامه می‌دهد و به منظور راحتی و آسایش زائران و اطمینان از عملکرد مناسب در برگزاری حج خدمات بسیاری را ارائه می‌دهد، چرا که هر ساله تقریباً سه میلیون نفر از سراسر جهان برای انجام حج به عربستان سفر می‌کنند (CNN Library, 2015). طبیعتاً میزبانی این جمعیت کثیر در تقویت پرستیژ و اعتبار دولت سعودی مؤثر است. این افراد زمانی که به کشورهای خود باز می‌گردند تصویر مثبتی از توسعه در عربستان سعودی و بهبود خدمات در دو شهر مقدس مکه و مدینه ارائه می‌دهند (Alanazi, 2015: 36).

ب) حوزه سیاسی و اقتصادی

محصول گفتمان سیاسی حاکم بر نظام عربستان سعودی، ارزش‌هایی است که در رفتار و عمل این کشور در حوزه امر سیاسی نمود پیدا می‌کند. این ارزش‌ها که مبنای تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و عمل در روابط بین‌الملل قرار می‌گیرند برآمده از ارکان هویتی و همچنین ارکان اقتصادی این کشور یعنی اسلام و قدرت مالی بوده و تحت عنوان ارزش‌های سیاسی شناخته می‌شوند، این ارزش‌ها عبارتند از؛

ب-۱) وهابیت: در بحث‌هایی که پیرامون ثبات نظام سلطنتی سعودی مطرح شده، اغلب پای اسلام هم در میان بوده است. در واقع، اتکای قدرت سیاسی و ایدئولوژیک عربستان بر گفتمان اسلام وهابی بر کسی پوشیده نیست. اسلام مورد نظر علمای وهابی در فرایند ملت‌سازی کارگشا بوده و به خانواده سلطنتی آل سعود مشروعیت بخشیده است (رشید، ۲۰۰۶: ۲۱). وهابیسم ابزاری قدرتمند برای آل سعود در جهت گسترش نفوذ خود در جهان اسلام و تبدیل کردن آن به عنوان یک منبع قدرت نفوذ می‌باشد. این دو گروه (آل سعود و وهابی‌ها)، روند اعمال قدرت خود را در جامعه در چارچوب رابطه سودمند مشترک به پیش می‌برند، به این ترتیب که علمای وهابی مشروعیت دینی سران حکومت را تأیید می‌کنند و سران حکومت نیز با حمایت کامل از اقتدار وهابی‌ها، به اداره جامعه می‌پردازند

(ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

عربستان سعودی در تلاش است با توسعه و گسترش اندیشه وهابیت ضمن نظم‌دهی به سیاست‌های داخلی و منطقه جهان اسلام مدلی از اسلام سازگار با غرب را به دنیا معرفی کند. عربستان با استفاده ابزاری از دو نماد اسلام و اقتصاد رانتی به صورت مؤثر اندیشه‌ای وهابیت را در جهان اسلام بسط داده و نفوذ خود را بدین وسیله توسعه بخشیده است. اعطای کمک‌های اقتصادی، مالی، بهداشتی، فرهنگی، ساخت، توسعه و تجهیز مدارس و مساجد برای مسلمانان فقیر کشورهای مختلف به این امر کمک شایانی کرده است. امروز، اصطلاح «وهابیگری» به طور گسترده‌ای در خارج از شبه جزیره عربستان مورد استفاده قرار می‌گیرد (Blanchard, 2008: 3).

ب-۲) قدرت مالی و اقتصادی: در گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۴، در خصوص عربستان سعودی بیان شده که، در سال‌های اخیر نرخ رشد اقتصادی عربستان سعودی به دلیل قیمت بالای نفت و افزایش نقش بخش خصوصی و کاهش نقش دولت، بسیار بالا بوده است (Kammer and Bob, 2014: 2). حکومت سعودی با قدرت مالی ناشی از نفت، بدهی‌های ملی را برطرف کرد و ذخایر را به سطح ۷۳۲ میلیارد دلار رساند. اقتصاد عربستان از جایگاه ۲۷ جهانی در سال ۲۰۰۳ به جایگاه نوزدهم اقتصاد دنیا در سال ۲۰۱۴ مبدل شد (الکیسی و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۱). پادشاهی سعودی مقام اول را در ذخایر و صادرات نفت دارد و بیشترین تأثیر را بر قیمت این کالای استراتژیک بین‌المللی دارد (The Market Oracle, 2014). مشارکت عربستان سعودی به عنوان عضو در گروه ۲۰ (G20) به این دلیل است که یک بازیگر کلیدی در بازار انرژی است و همچنین حجم زیادی از تجارت و منابع مالی بین‌المللی را در اختیار دارد (Behrendt, 2009).

این چشم‌انداز مثبت نمایشگر وزن اقتصادی پادشاهی به عنوان بازیگر مرکزی در خلیج فارس، منطقه خاورمیانه و تمام کشورهای عربی است. ثروت قابل توجه می‌تواند از منابع قدرت تأثیرگذار و نفوذ عربستان سعودی محسوب شود (Ehteshami, 2015: 16). در واقع، امروزه یکی از اهداف سیاست

خارجی آل سعود تلاش برای تعمیق نفوذ و تاثیرگذاری سیاسی منطقه‌ای و جهانی و رقابت با ایران از طریق منابع مالی و اسلامی خود است. یکی از ابزارهای مورد استفاده سعودی‌ها در این راستا، کمک‌های بشر دوستانه و همکاری در حل بحران‌های جهانی همچون مشارکت در حل بحران غذایی در سراسر جهان است. شهرت عربستان سعودی از این طریق، موفق به ایجاد یک نوع از قدرت نفوذ و تاثیرگذار برای آن شده است، چرا که این نوع حرکات توانایی جذب قلب و ذهن کشورهای دریافت‌کننده کمک و مردمانشان را دارد.

ب-۳) قدرت نظامی و سخت: قدرت اقتصادی و مالی عربستان سعودی حاصل از دلارهای نفتی زمینه ساز شکل‌گیری قدرت نظامی و سخت ریاض شده است. عربستان سعودی با استفاده از توان اقتصادی، اقدام به خریدهای تسلیحاتی گسترده و تقویت بنیه نظامی خود کرده است. خریدهای تسلیحاتی عربستان هم که از بزرگ‌نمای تهدید ایران ناشی می‌شود هزینه‌های سنگین اقتصادی برای این کشور ایجاد می‌کند. خرید ۱۶۰ فروند اف-۱۶، مستقر کردن ۴ فروند اف-۲۲ و نصب و راه‌اندازی سیستم‌های دفاع هوایی از جمله پاتریوت، بخشی کوچک از هزینه‌های سنگین اقتصادی عربستان در تقابل با ایران را به نمایش می‌گذارد (سیمبر و رحم دل، ۱۳۹۳: ۱۹). عربستان با اعطای امتیازات اقتصادی و از جمله خریدهای تسلیحاتی گسترده سعی در جلب حمایت قدرت‌های بزرگ برای تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای و افزایش قدرت نظامی و پیگیری سیاست‌های مداخله جویانه خود داشته است. نمونه آن قرارداد ۱۱۰ میلیارد دلاری است که در زمان سفر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده به ریاض (اردیبهشت ۱۳۹۶)، میان امریکایی‌ها و دولت ریاض منعقد شد (اسدی، ۱۳۹۶: ۱۱۵).

اما این خریدهای تسلیحاتی گسترده به چند طریق قدرت عربستان سعودی را افزایش می‌دهد؛ اولاً از لحاظ سخت و نظامی بنیه نظامی و ارتش پادشاهی سعودی را تقویت می‌کند، دوماً باعث شکل‌گیری روابط تجاری و دوستانه ریاض با کشورهای فروشنده تسلیحات می‌شود، سوماً با خرید تسلیحات از کشورهای قدرتمند، توجه و حمایت آنها را نیز خریداری می‌کند، در نهایت، با

برقراری ارتباطات و پیمان‌های نظامی با کشورهای منطقه و تأمین تسلیحات و امنیت آنها اقدام به ایجاد نفوذ و تأثیرگذاری در این کشورها می‌کند. بنابراین، قدرت و توانایی نظامی عربستان سعودی و روابط نظامی آن با دیگر کشورها، نیز باعث ایجاد یک منبع نفوذ و ابزار تأثیرگذاری برای آن شده و از این طریق چه به صورت سخت و نظامی و چه به صورت پایه‌های نفوذ قدرت نظامی خود در جهت مقابله با قدرت و نفوذ ایران اقدام می‌کند (Al-Osaimi, 2015).

سیاست خارجی

اسلام، نفت و امنیت سه پایه اصلی مشروعیت‌ساز سیاست خارجی عربستان سعودی را تشکیل می‌دهند. این سه عنصر به صورت گفتمان‌های حمایت‌گر در راستای ایجاد استراتژی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان و افزایش قدرت نفوذ این کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. عربستان در تلاش است که همواره به عنوان ام‌القرای جهان اسلام که توانایی همزیستی با غرب را دارد شناخته شده و سیاست خارجی خود را هم همواره در این راستا پایه‌ریزی می‌کند. همچنین باید توجه داشت که سیاست خارجی دولت عربستان سعودی به شدت تحت تأثیر تحولات و جریان‌ات منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است که امنیت عربستان سعودی را تهدید کرده‌اند (عطایی و منصوری مقدم، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

این موضوع را می‌توان به وضوح در رویدادهایی مانند پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی، توافقنامه برجام و قدرت‌یابی شیعیان در عراق را که منجر به شکل‌گیری رفتارهای پرخاشجویانه در سیاست خارجی عربستان سعودی بود مشاهده نمود. همچنین سیاست خارجی عربستان به واسطه تغذیه از منابع هویتی همچون اسلام و سلفی‌گرایی به دنبال مشروعیت داخلی و منطقه‌ای و به خصوص نفوذ و تأثیرگذاری در میان کشورهای عرب منطقه و جهان اسلام است. در این راستا، عربستان سعودی جهت بکارگیری منابع قدرت نفوذ خود در منطقه و در میان مسلمانان، ابزارهای متعدد و متنوعی را در چارچوب سیاست خارجی به کارگرفته است، از جمله این ابزارها عبارتند از؛

الف) سازمان رابطه العالم الاسلامی: سازمان رابطه العالم الاسلامی، به عنوان یک سازمان بین‌المللی گسترده و فراگیر در جهان اسلام و ابزاری قدرتمند در حوزه قدرت نفوذ عربستان سعودی شناخته می‌شود. این سازمان به مثابه ابزاری کاربردی در راستای تبلیغ و القای مفاهیم ایدئولوژی وهابیت و اجرایی کردن اهداف سیاست خارجی در راستای توسعه نفوذ و استفاده نرم افزاری از عناصر قدرت در جهان اسلام استفاده می‌شود. فعالیت این سازمان فرهنگی - تبلیغی بوده و هدف اصلی آن گفتمان سازی و یکپارچه سازی ایدئوژیک جهان اسلام بر مبنای اهداف سیاست خارجی عربستان و تبلیغ فرقه وهابیت است. این سازمان در سال ۱۹۶۲ تأسیس و مقر آن در شهر مکه قرار دارد (سعادت پور، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

سازمان رابطه العالم الاسلامی از طریق برگزاری همایش‌های بین‌المللی و حضور در اجلاس‌های بین‌المللی جهان اسلام و نیز عضویت در سازمان‌های بین‌المللی فعالیت چشمگیری دارد. برخی از شوراهای و هیئت‌های این سازمان که در سرتاسر جهان اسلام در حال خدمات‌رسانی هستند شامل کنفرانس عمومی اسلامی، شورای عالی، شورای عالی جهانی مساجد، مجمع فقه اسلامی، سازمان جهانی کتاب و سنت، سازمان بین‌المللی دانش‌پژوهان مسلمان و سازمان بین‌المللی امداد اسلامی می‌باشد که نشان‌دهنده گستردگی و نفوذ خدماتی این سازمان در سطح جهان اسلام می‌باشد (شیخ‌الاسلامی و سردار، ۱۳۹۱: ۱۱۸). این سازمان باعث ارتقای روابط ریاض با ملل اسلامی شده و قدرت نفوذ بسیاری را به پادشاهی سعودی در میان کشورهای اسلامی داده است.

ب) رسانه‌ها: رسانه در همه جای دنیا از ابزارهای پرکاربرد در حوزه سیاست خارجی و پیگیری راهبردها و اهداف با القای مفاهیم و موضوعات مورد نظر صاحبان رسانه بر افکار و عقاید ملل جهان است و باعث ایجاد نفوذ صاحبان در میان کشورها و مردمان آنها شده است. در همین راستا یکی دیگر از ابزارهای قدرتمند آل سعود در حوزه سیاست خارجی و قدرت نفوذ رسانه‌های این کشور هستند. عربستان از آخرین روش‌ها و ابزارهای فنی و تکنولوژیکی و علم رسانه و ارتباطات در جهت استفاده از قدرت رسانه و تبلیغات برای مشروعیت‌سازی

اهداف سیاست خارجی خود استفاده می‌کند و بیشترین سرمایه‌گذاری را در این بخش داشته است.

کانال‌هایی مانند ART، المجد، الرسالة، العربیه و MBC، بخشی از این شبکه‌ها هستند. عربستان بر اغلب کانال‌های شناخته شده عربی کنترل دارد و با سهام نفتی غنی، این مزیت را داراست که کانال‌های سرمایه‌داران سعودی را جذاب‌تر از دیگر کانال‌های ماهواره‌ای بنماید (میردهقان و شوکتی مقرب، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۶۴)، به طوری که تشکیلات عربستان در طول دو دهه گذشته از تمام امکانات خود جهت تأثیر گذاشتن بر ذهن و قلب مردم منطقه استفاده کرده است (Cochrane, 2007: 2). رسانه‌های عربستان سعودی در طول تاریخ خود یک ابزار استراتژیک و تأثیرگذار در سیاست داخلی و خارجی پادشاهی بوده‌اند و این توانایی را دارند که به عنوان ماشین‌های فرهنگی، واسطه‌ای جهت ایجاد یک حس ملی باشند. مهم‌تر از همه رسانه‌ها ابزار مناسبی برای گسترش جنبه‌های مختلف فرهنگ سعودی هستند که مطابق خط مشی پادشاهی و هویت اسلامی (وهابی) فعالیت می‌کنند و ابزارهای مناسبی برای افزایش قدرت نفوذ عربستان بوده‌اند (Ehteshami, 2015: 16).

ج) عضویت در مجامع و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: بی‌تردید، عربستان سعودی قدرت نفوذ و نقش رهبری جهانی خود را نه تنها در زمینه نفت، مواد هیدروکربن و اقتصاد بین‌الملل اعمال می‌کند، بلکه برای ایفای نقش خود در ثبات و صلح خاورمیانه، به دنبال بهره‌مندی از آن است. سرمایه‌گذاری قدرت نفوذ عربستان سعودی جهت مدیریت مسلمانان (اهل سنت)، نقش آن را در سیاست‌های بین‌المللی تثبیت کرده است (Grumet, 2015: 61). عربستان در تلاش است نفوذ خود را در منطقه خاورمیانه به مدت طولانی گسترش و اثبات کند و همواره در [کلام] خشونت و استفاده از دیگر ابزارهای مخالف با صلح و امنیت بین‌المللی را نکوهش کرده است (Alanazi, 2015: 42).

علاوه بر این پادشاهی سعودی با عضویت و همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نشان دادن خود به عنوان یک کشور متعهد و قابل اعتماد در روابط دیپلماتیک، سعی در اجرای اهداف بلند پروازانه خود در قالب

ام‌القرایی جهان اسلام و شریک مطمئن از جهان اسلام برای غرب دارد. این کشور از این مجرای دیپلماتیک برای برقراری ارتباطات ملی و بین‌المللی و همین‌طور گسترش و نیل به اهداف سیاست خارجی در بستر قدرت نفوذ و تاثیرگذاری خود را دنبال می‌کند (Zeino-Mahmalat, 2012: 55). در واقع؛ عربستان سعودی همواره تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای معرفی و انتشار تصویر مثبتی از پادشاهی در سرتاسر جهان دنبال و گسترش داده است و از مزیت و جذابیت بهره‌مندی از مقدس‌ترین اماکن اسلامی و پول‌های حاصل از فروش نفت به عنوان ابزارهای ارتقای دیپلماسی خود استفاده کرده و عمدتاً کم‌ک‌های مالی و اقتصادی زیادی را به سازمان‌ها و مجامع منطقه‌ای و بی‌المللی که در آن عضو هستند اعطا می‌کنند و از این طریق به دنبال کسب مطلوبیت و نیل به اهداف سیاست خارجی خود در قالب این سازمان‌ها می‌باشند.

د) دانش و روش‌های آموزشی: بازارهای جهانی نفت پس از سال‌های اوایل دهه ۱۹۷۰ به سرعت شروع به رشد کردند که ثروت اقتصادی ناشی از آن، عربستان سعودی را قادر ساخت قدرت نفوذ و تاثیرگذار خود را گسترش دهد و در این زمینه سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام دهد. این قدرت نفوذ شامل بخش‌ها و روش‌های آموزشی است که عربستان سعودی را قادر می‌سازد بنیادگرایی اسلامی را در سراسر جهان به منظور حفظ موقعیت خود به عنوان یک رهبر در جهان عرب و همچنین جهان اسلام، فراهم و ترویج کند. وجود دانشگاه‌های بزرگ با امکانات آموزشی-پژوهشی و اعطای تسهیلات ویژه و قابل توجه به محققان و دانشجویان در قالب برنامه‌های بورسیه، بازگشایی دانشگاه‌های مختلط، همکاری گسترده علمی با دانشگاه‌هایی از سراسر جهان، تأسیس دانشگاه‌های غربی و امریکایی در این کشور و فعالیت‌های وسیع لابی عربستان در ایالات متحده در بخش‌های مختلف و از جمله حوزه‌های علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی و نیز تأسیس انجمن حقوق مدنی و سیاسی عربستان را می‌توان در راستای تحقق برنامه افزایش قدرت نفوذ و هویت سازی در ابعاد جهانی برای این کشور دانست (نور محمدی و محمدی پور، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

علاوه بر این، عربستان سعودی به طور کلی برای ایجاد تعداد زیادی از مؤسسات اسلامی، مراکز، مساجد، مدارس و دانشگاه‌های اسلامی در سراسر جهان دست به کار شده است (Cooper and Yue, 2008: 198-199). در همین راستا، وهابیت عربستان اقدام به تدوین کتاب و مجلات با تیراژ بالا کرده و در مورد عقاید خود و به نام دیگران کتاب چاپ می‌کند (کوهکن و نزاقتی، ۱۳۹۳: ۲۲۶). در واقع، که برنامه‌های آکادمیک عربستان سعودی به پشتوانه دلارهای نفتی در سطح منطقه و حتی جهانی به منظور تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان در راستای تعالیم، اصول و رویکردهای ریاض طراحی شده‌اند تا به این طریق جوانان و مردمان ملل اسلامی و سایر ملت‌ها را به آموزه‌های خود از جمله پادشاهی سعودی و وهابیت متمایل کنند و از این طریق یک تأثیر و نفوذ گسترده ایجاد کنند.

نقش منابع قدرت نفوذ عربستان در راهبرد مقابله با ایران

سیاست خارجی عربستان نشان می‌دهد که زمامداران این کشور به دنبال آنند تا با ارائه ظاهری اسلامی از خود رهبری جهان اسلام را به دست گیرند. از این رو می‌توان اذعان داشت که هدف اولیه سیاست خارجی عربستان، گسترش نفوذ این کشور در میان ممالک اسلامی و به دست گرفتن نقش رهبری و اعمال نفوذ در میان آنها است، چرا که عربستان سعودی به عنوان جزئی از جهان عرب از نظر سیاسی و ژئوپلیتیکی خود را وابسته به آن می‌داند (شیخ‌الاسلامی و سردار، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

اما در این میان جمهوری اسلامی ایران با هویت ایرانی-شیعی پس از انقلاب اسلامی رقیب جدی عربستان سعودی در خاورمیانه بوده است. ایران و عربستان به دلیل هویت متمایز ایرانی-عربی و رقابت‌های دو کشور در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه هیچگاه ادراک مثبتی از یکدیگر نداشته‌اند. قبل از انقلاب اسلامی و در دوره پهلوی دوم این دو کشور تحت تأثیر گفتمان حاکم جنگ سرد ناگزیر به همکاری با یکدیگر بودند (آرم، ۱۳۹۵: ۷۳-۸۱). اما پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نه تنها به تداوم رقابت‌های ژئوپلیتیک دو کشور انجامید؛ بلکه با احیای شیعیان منطقه موجب افزوده شدن عامل ایدئولوژی به رقابت میان دو کشور شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امریکا یکی از متحدان ویژه و یکی از مناطق

استراتژیک نفوذی خود را از دست داد. از این روی، عربستان به عنوان جایگزینی جدی برای ایران خود را مطرح کرد.

پس از این بود که عربستان رفته‌رفته به یکی از متحدان استراتژیک امریکا در منطقه تبدیل شد. این پیوستگی و هماهنگی با امریکا در حالی است که رابطه ایران و امریکا پس از انقلاب اسلامی به تیرگی گرایید. به سخن دیگر، حضور و نفوذ یکی از کشورهای ناهمسو با جمهوری اسلامی ایران در عربستان، سبب شد تا ذهنیت و ارزش‌های مشترک میان ایران و عربستان از هم بگسلد و دیوار بی‌اعتمادی میان این دو روزه‌روز بلندتر شود (متقی، ۱۳۹۴). از طرف دیگر با وقوع انقلاب اسلامی ایدئولوژی شیعه انقلابی به عنوان رقیبی قدرتمند در مقابل هویت عربی - وهابی محافظه‌کار قرار گرفت. در واقع عربستان سعودی پادشاهی با تکیه بر ایدئولوژی وهابیت در مقابل جمهوری اسلامی ایران شیعه با محوریت ولایت فقیه قرار گرفت که به طور سیستمیک با هم در تعارض و رقابت هستند و هر کدام از این دو هم داعیه رهبری جهان اسلام را دارند.

رقابت ایران و عربستان زمینه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد؛ رقابت در خلیج فارس، خاورمیانه، جهان اسلام و عرصه بین‌الملل (متقی، ۱۳۹۴). در سطح منطقه خلیج فارس، ماهیت این رقابت به‌طور چشمگیری در دهه‌های گذشته پس از انقلاب ایران با نوساناتی همراه بوده و این رقابت در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران به سطح جنگ سرد رسیده است. به علاوه، در سال ۲۰۱۱، رابطه عربستان و ایران به دلیل اختلافات شدید در مورد موج ناآرامی موسوم به بهار عربی سمت و سوی شگفت‌انگیزی به خود گرفت (Loi & Cordesman, 2011:9). رقابت میان دو کشور اغلب تحت تأثیر اختلافات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک تشدید می‌شود و هنگام آشوب‌ها و ناآرامی‌های منطقه‌ای دشمنی‌های آنها افزایش می‌یابد. از سوی دیگر در سطح ساختاری نظام بین‌الملل، نفی نقش ثبات‌بخش ایران در نظم منطقه و تشدید پروژه ایران هراسی به ویژه در موضوع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و در سطح منطقه‌ای پر رنک شدن عنصر شیعی در سیاست‌های منطقه‌ای در پرتو تحولات عراق و سپس لبنان به حساسیت اعراب و سعودی در قبال ایران انجامیده است (آرم، ۱۳۹۵: ۷۳-۸۱).

همچنین، نقش نظامی روزافزون ایران در عراق از سال 2003 میلادی و در سوریه از سال 2011 میلادی تاکنون سبب شده کشورهای عربی خلیج فارس از آرمان‌های هژمونیک ایران واهمه داشته باشند. این در حالی است که این کشورها هم از گروه‌های مخالف در سوریه، لبنان و تا حدی در عراق حمایت می‌کنند. در واقع، رقابت بر سر قدرت و نفوذ در منطقه میان ایران و عربستان در رقابت‌ها بر سر هویت، به‌خصوص تقابل شیعه و سنی، ایرانی و عربی جلوه کرده است. در این راستا، ایران اصولاً در برابر نفوذ عربستان سعودی در خاورمیانه به صدور انقلاب خود متکی است. ایران از سازمان‌های همانند سازمان‌های فرهنگی و روابط اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی استفاده می‌کند تا آیین و عقیده اهل تشیع را در جهان خارج از طریق رسانه‌ها گسترش و به افکار عمومی معرفی کند (Bar, 2009: 14).

در مقابل، به گفته سعودی‌ها، عربستان باید از تمام امکانات نظامی، اقتصادی و مالی و فرهنگی خود به منظور مقابله با تهدیدات ایران و نفوذ آن در منطقه بهره‌گیری کند. یکی از منابع و امکانات مهم و گسترده عربستان سعودی در این راستا، استفاده از منابع و ابزارهای قدرت نفوذ خود در حوزه‌های فرهنگ، سیاسی - اقتصادی و سیاست خارجی در منطقه و در سطح جهان است. بر این اساس، برای مقابله و رقابت با ایران، پادشاهی عربستان سعودی آن آموزه‌های برگرفته از اسلام اولیه و اصیل را که در آنها از قدرت بیشتری برخوردار است و با وهابیت همخوانی بیشتری دارند، به منظور به حاشیه راندن شیعیان ایران بکار می‌گیرد. از جمله اقدامات پادشاهی سعودی در این زمینه و در تقابل با جمهوری اسلامی ایران، گسترش تفکر افراطی سلفی - وهابی است که یکی از نمادهای بارز این اندیشه شیعه‌ستیزی است که با بهره‌برداری از اختلافات عقیدتی موجود بین شیعیان و اهل سنت به خصوص قرائت سلفی و وهابی، از این عامل به عنوان مؤلفه‌ای برای کسب حمایت اهل سنت و تضعیف شیعیان استفاده می‌کند.

این وضعیت هر چند طی ده‌های گذشته با نوساناتی همراه بوده، ولی به لطف دلارهای بی‌دریغ نفتی، استفاده از ابزارهای سیاست خارجی همچون

استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های گسترده ماهواره‌ای، اداره مکه و مدینه و برگزاری مراسم حج، توزیع نذورات و اقدامات سازمان رابطه العالم الاسلامی و استفاده از سازمان‌های منطقه‌ای تا کنون ادامه یافته است (عرب احمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). علاوه بر این، پادشاهی سعودی سخنرانی‌ها، درس‌ها و کلاس‌های آموزشی، انجمن‌ها و کنفرانس‌هایی را برای تهییج کردن نخبگان داخلی خود و همچنین ارائه راهکارهای جهانی برای یادگیری، آموزش و شناخت فرهنگ و جامعه خود و نفوذ بیشتر در منطقه و جهان ارائه می‌دهد؛ و با تصویب قوانین کمک آموزشی و اعطای بورس‌های تحصیلی، دانشجویان خارجی را برای کمک به گسترش نفوذ فکری و فرهنگی خود و مقابله با نفوذ و قدرت فرهنگی ایران، جذب دانشگاه‌های عربستان می‌کند.

محدودیت‌های قدرت نفوذ عربستان سعودی

هر چند عربستان سعودی از اسلام و ارزش‌های اسلامی و منابع و ابزارهای مختلفی برای نفوذ و تاثیرگذاری خود در منطقه و در مقابله با ایران استفاده می‌کند، اما، عربستان سعودی در جهان امروز و در منطقه از حامیان اصلی تروریسم و افراط‌گرایی بوده و همچنین از بزرگترین نقض‌کنندگان حقوق بشر و تضعیف دموکراسی در جهان است که عملاً باعث محدودیت و تضعیف قدرت نفوذ و تاثیرگذاری این کشور در منطقه و در مقابل ایران شده است. در ادامه به مواردی از این محدودیت‌ها اشاره خواهیم کرد.

الف) حمایت از تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی و شیعه‌ستیزی: هرچند عربستان سعودی از اسلام و ارزش‌های آن به عنوان منبع قدرت نرم خود استفاده می‌کند، اما عملکرد این کشور در تحریف ارزش‌های حقیقی اسلام باعث کاهش نفوذ معنوی آن در بین جهان اسلام شده است. ره‌آورد تحریف اسلام از سوی این کشور گسترش اندیشه‌های افراطی و تشکیل گروه‌های تندرو در قلمرو جهان اسلام بوده که از حمایت‌های مادی و معنوی این کشور برخوردار می‌باشند (رستمی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۸). افراط‌گرایی به عنوان یک عامل هویتی، در تمام ارکان حاکمیتی عربستان نهادینه شده است. دویچه وله

در سال 2012 عربستان را بزرگترین حمایت کننده مالی تروریست‌ها در جهان معرفی کرده و وزارت خارجه امریکا نیز طی گزارشی اعلام کرد سازمان‌های تروریستی از جمله القاعده از هیچ کشوری به اندازه عربستان پول دریافت نمی‌کنند (میرزایی و داوند، ۱۳۹۴: ۸۰).

یکی از نمادهای بارز این افراط‌گرایی شیعه‌ستیزی است و عربستان با بهره‌برداری از اختلافات عقیدتی موجود بین شیعیان و اهل سنت به خصوص قرائت سلفی و وهابی، از این عامل به عنوان مؤلفه‌ای برای تضعیف شیعیان استفاده می‌کند. ستیز عربستان با شیعیان به دو صورت سخت و نرم انجام می‌گیرد. در نوع سخت شامل تحریک گروه‌های تکفیری و کشتار شیعیان در اقصی نقاط جهان به خصوص منطقه خاورمیانه و همین‌طور به شیوه‌های نرم یعنی تبلیغ وهابیت و تخریب عقاید شیعیان می‌باشد. از منظر سیاسی سه رویداد مهم عربستان را به روی آوری برای تقویت شیعه‌ستیزی ترغیب کرد، اول؛ وقوع انقلاب اسلامی 1979، دوم؛ تحولات داخلی 2003 عراق و قدرت گرفتن شیعیان در این کشور، سوم؛ انقلاب‌های عربی یا بهار عربی (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). عربستان معتقد است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل دولت شیعه در این کشور، ایران در پی به هم زدن ترتیبات امنیتی و صدور انقلاب اسلامی خود می‌باشد. بر همین اساس شیعه‌ستیزی در دستور کار این کشور برای محدودیت فعالیت‌های ایران به عنوان یک اصل مسلم در سیاست خارجی مطرح می‌باشد. همچنین عربستان با حمله به یمن بدون کسب مجوز از سازمان ملل و قتل عام کودکان همچنان به افراط‌گرایی کور خود ادامه می‌دهد. کمک در تجاوز به سوریه و عراق هم از این دست می‌باشد.

ب) ضعف دموکراسی و حقوق بشر: در حالی که امروزه اندیشه‌های مردم‌سالاری و دموکراسی در تمام حکومت‌های دنیا پذیرفته شده است، صحبت و حتی تفکر درباره نقد حکومت و شراکت در ایجاد آن در عربستان همراه با مجازات‌هایی همچون محدودیت سفر، حبس و تبعید می‌باشد (استنسلی، ۲۰۱۳: ۱۶۸-۱۶۹). عربستان سعودی یک حکومت با سیستم

پادشاهی مطلقه می‌باشد. در این کشور حکومت فقط در خاندان آل سعود خلاصه می‌شود و مردم هیچ نقشی در تعیین حاکمان خود ندارند. خبری از حزب یا گروه سیاسی، پارلمان و جامعه مدنی نیست. مهمترین موارد نقض حقوق بشر در عربستان شامل مجازات اعدام، نظام حقوقی و محاکمه‌های ناعادلانه، وضعیت نامطلوب کارگران مهاجر، ممنوعیت آزادی بیان و عقیده، ممنوعیت آزادی مطبوعات، ممنوعیت آزادی اقلیت‌ها و تبعیض علیه زنان می‌باشد (Human Rights Watch, 2008-2007). بنابراین حقوق اولیه انسان‌ها در عربستان که همان حق تعیین سرنوشت و آزادی بیان است نادیده گرفته شده و گروه‌های مذهبی و قومی دیگر نیز مانند شیعیان شدیداً تحت فشار و کنترل دولت می‌باشند. ضعف دموکراسی و نقض‌های فاحش و مکرر حقوق بشر در این کشور، از این کشور چهره‌ای وحشتناک و در تضاد با قدرت نفوذ به وجود آورده است.

نتیجه‌گیری

فراگیری قدرت نفوذ و تأثیرگذاری در پی ناکارآمدی قدرت سخت و منابع تشکیل‌دهنده آن است. قدرت نفوذ از ابزارهای پیگیری اصول، راهبردها و اهداف سیاست خارجی برای کشورها می‌باشد. در جهان اسلام و در میان کشورهای خاورمیانه نیز بحث نفوذ و تأثیرگذاری مطرح است. ریشه اصلی منابع قدرت نفوذ هر کشوری را حوزه جذابیت‌ها و توانایی‌های فرهنگی، ارزش‌های سیاسی، قدرت اقتصادی و نظامی و مطلوبی‌ت‌های سیاست خارجی آن تشکیل می‌دهند. در منطقه پرتنش خاورمیانه همه کشورها از جمله عربستان در پی شناسایی و استفاده از منابع قدرت نفوذ خود برای کسب برتری منطقه‌ای هستند.

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال بود که منابع و ابزارهای قدرت تأثیرگذار و نفوذ عربستان سعودی در منطقه و جهان اسلام در راهبرد مقابله با ایران چیست؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عربستان از ظرفیت گفتمان اسلام و وهابیت و با ابزارهای سیاست خارجی برای بهبود بخشیدن به موقعیت خود و مقابله ایران در راستای استفاده از قدرت نفوذ خود تلاش‌های فراوانی را صورت داده است. این کشور با برخورداری از موقعیت ممتاز در بین جهان اسلام و

کشورهای عرب منطقه بیش از پیش از منابع اسلامی و عربی در راستای توسعه سیاست خارجی و ایدئولوژی وهابیت و شیعه‌ستیزی قدم برداشته و تلاش کرده خود را به عنوان ام‌القرای جهان اسلام با تکیه بر اماکن مقدس اسلامی موجود در این کشور به دیگران بقبولانند.

عربستان با اعتقاد به این که دولت شیعی ایران در پی به هم زدن ترتیبات امنیتی و ایدئولوژیکی منطقه خاورمیانه بوده و در راستای صدور انقلاب اسلامی و برانگیختن مردم مسلمان کشورهای منطقه بر علیه نظام‌های سیاسی حاکم سنی، به وسیله کمک‌های اقتصادی و نظامی به گروه‌های معترض شبه نظامی کشورهای این منطقه می‌باشد، شیعه‌ستیزی را در دستور کار خود قرار داده و با استفاده از دلارهای نفتی، سیاست خارجی گسترده، استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های گسترده ماهواره‌ای، اداره مکه و مدینه و برگزاری مراسم حج و توزیع نذورات و اقدامات سازمان رابطه العالم الاسلامی و استفاده از سازمان‌های منطقه‌ای و نهایتاً قدرت اقتصادی و نظامی خود، به دنبال مقابله و محدود کردن فعالیت‌های ایران، تبلیغ وهابیت و تخریب شیعیان بوده است و از این طریق در صدد کسب مطلوبیت‌های سیاسی و هم راستا کردن سیاست خارجی کشورهای منطقه با سیاست خارجی خود است.

راهکارهای مقابله با قدرت نفوذ عربستان سعودی

جمهوری اسلامی ایران روش‌ها و امکانات بیشماری از قدرت نفوذ و تاثیرگذار را در اختیار دارد که می‌تواند برای مبارزه با عربستان از آن استفاده کند. شاید توجه به این نکته مهم باشد که فراوانی منابع قدرت نفوذ ایران از یک دیگه اخلاقی حاصل می‌شود، به عنوان یک ملت، ایران نمونه‌ای از توازن و هماهنگی است و وزن بین‌المللی گسترده‌ای به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مسلمان نشین دارد. فرهنگ و همچنین توانایی‌های نرم‌افزاری مادی، همراه با قدرت جهانی در صادرات نفت و گاز طبیعی و اعطای وام‌های گسترده به کشورهای توسعه نیافته که نیاز به کمک دارند، می‌تواند قدرت نفوذ ایران را چند برابر کند. فرهنگ اجتماعی ایران دارای پیشینه تاریخی قوی و اثبات شده‌ای است که با فرهنگ اجتماعی عربستان که در آن هنوز عنصر دولت-ملت نضج نیافته است، تعارض شدیدی دارد.

جمهوری اسلامی ایران باید با ترویج و تبلیغ فرهنگ غنی و تاریخی خود در رابطه با ملل دیگر تلاش کرده، با ملل مسلمان از جمله اعراب منطقه رابطه‌ای صلح جویانه و همکاری طلبانه و دوستانه برقرار کند و ارزش‌های تمدنی و فرهنگی خود را به این ملت‌ها بسط دهد و با نفوذ در کشورهای عرب منطقه و جهان اسلام مانع از آن شود که عربستان یک جبهه پان عرب را در مقابل ایران فارسی شکل دهد. همچنین، جمهوری اسلامی ایران در برابر ایده ام‌القرای اسلامی می‌تواند ارزش‌های اسلامی شیعی و انقلابی خود را ترویج دهد، در مقابل ایدئولوژی سازی عربستان و کاربرد و هابیس‌م، ایده صدور انقلاب و ارزش‌های اخلاقی گفتمان‌های سیاست خارجی خود را به کار ببرد و نهایتاً در مقابل معیارهای آموزشی عربستان اقدام مشابه انجام داده و با پذیرش دانشجو و آموزش عالی، برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌ها و ترویج دکترین و استفاده از رسانه‌ها به منظور افزایش قدرت نفوذ خود تلاش کند. علاوه بر این، جمهوری اسلامی باید ارزش‌ها و اعتدال، بردباری، گفت‌وگو و پذیرش دیگران را تحریک و تقویت کند و از دیدگاه‌ها و نظرات مختلف حمایت و از ایستا بودن و عدم تحول اندیشه جلوگیری کند.

منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۴)، «سلفیه وهابی؛ تمایزهای هویتی عربستان سعودی و ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۶، شماره ۳، صص ۱۴۸-۱۴۹.
- احمدی، یعقوب (۱۳۹۱)، «فرهنگ سیاسی جوامع اسلامی» (با تأکید بر بررسی وضعیت ارزش‌های رهاینده)، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۱.
- استنلی، استیگ (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی سیاسی قدرت در عربستان، ترجمه نبی‌الله ابراهیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۷) «عربستان سعودی و منطقه‌گرایی؛ از هژمونی‌گرایی تا موازنه‌سازی»، جستارهای سیاسی معاصر، سال نهم، شماره سوم.
- آرم، آرمینا (۱۳۹۵)، «ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۵، صص ۷۳-۸۱.
- آقابخشی، علی‌اکبر و افشاری‌راد، مینو؛ فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۸۶، چاپ دوم، ویرایش ششم، صص ۳۱۴.
- بجورکمن، ج. دبلیو (۱۹۸۹)، «مفاهیم کنترل: قدرت، نفوذ، اختیار»، ترجمه مرتضی مرتضوی و کیومرث مکانی، فصلنامه تحول اداری، دوره هفتم، شماره ۳۴.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، قدرت و امنیت در عصر پسامدرنیسم، انتشارات لقمان.
- جمال‌زاده، ناصر و آقائی، محمد (۱۳۹۴) «تأثیر ایران هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، بهار، صص ۴۷-۱۹.
- درویشی، فرهاد و حاجی‌هاشمی، مرضیه (۱۳۹۵) «بررسی تطبیقی عملکرد دیپلماسی فرهنگی ایران و عربستان در خاورمیانه (۲۰۱۵-۲۰۰۱)»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۲۰.
- دو ورژه، موریس (۱۳۵۸)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، جاویدان.

زنگنه، پیمان و حمیدی، سمیه (۱۳۹۵) «بازنمود ماهیت منطق حاکم بر کنشگری ایران و عربستان در بحران یمن»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸.

ساعی، احمد؛ علیخانی، مهدی (۱۳۹۴)، «بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۲.

سیمبر، رضا و رحمدل، رضا (۱۳۹۳) «شالوده شکنی جدال‌های امنیتی ایران و عربستان (۲۰۱۴-۲۰۰۱)»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و سردار، حمید (۱۳۹۱) «الگوی مذهبی در دیپلماسی فرهنگی عربستان: مورد کاوی سازمان رابطه العالم الاسلامی»، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره چهارم.

صادقی، حسین و احمدیان حسن (۱۳۸۹) «عربستان سعودی؛ از هژمونی نفتی تا رهبری منطقه‌ای»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره سوم، صص ۱۷۰-۱۳۷.

عرب احمدی، امیر بهرام (۱۳۹۱)، «سیاست‌های مداخله جویانه عربستان در کنیا، تانزانیا و اوگاندا»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۱، ش ۳، صص ۱۰۶-۱۰۳.

عطایی، فرهاد، منصوری مقدم، محمد (۱۳۹۲)، «تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع‌گرایانه بر بستری هویتی»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۵، ش ۱، صص ۱۳۵-۱۳۷.

فتاحی اردکانی، حسین، مسعود نیا، حسین و امام جمعه زاده، سید جواد (۱۳۹۷)، «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه جوزف نای (سخت، نرم و هوشمند)»، فصلنامه قدرت نرم، سال هشتم، شماره هیجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷.

قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰) «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، مطالعات قدرت نرم، سال اول، شماره اول.

کوهکن، علیرضا و نزاکتی، فرخنده (۱۳۹۳) «دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی عربستان»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره سوم.

کونن، بروس (۱۳۷۲)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه توسلی و فاضل، تهران، نشر اقبال.

الکیسی، قسان و همکاران (۲۰۱۵) «عربستان بدون نفت، تحول در سرمایه گذاری و بهره‌وری»، مؤسسه جهانی مک کینزی، ترجمه: معاونت پژوهش‌های اقتصادی، خرداد ماه ۱۳۹۵.

متقی، افشین (۱۳۹۴)، «واکاوای زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌نگاری»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۲.

مورهد، گری گوری و گریفین، ریگی؛ رفتار سازمانی، سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران، مروارید، ۱۳۸۵، چاپ یازدهم، ص ۳۸۲.

میردهقان، مهین‌ناز و شوکتی مقرب، سمیه (۱۳۹۲) «گفتمان پنهان قدرت و رسانه در خاورمیانه عربی (مطالعه موردی: عربستان سعودی)»، مطالعات سیاسی اجتماعی جهان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۸۰-۱۴۵.

نای، جوزف (۱۳۹۲)، «آینده قدرت»، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

نای، جوزف (۱۳۸۹) «قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل»، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق.

نورمحمدی، مرتضی و محمدی‌پور، طیبه (۱۳۹۵) «جایگاه دیپلماسی آموزشی در سیاست خارجی عربستان سعودی در خاورمیانه»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۹.

ب) منابع انگلیسی

Alanazi, Abdullah Khuliyf A. (2015) "Saudi Arabia's Implementation of Soft Power Policy to Confront Iran's Obvious Threats", Naval Postgraduate School Monterey, California.

Al-Osaimi, Najah (2015) "how «smart» is saudi arabia's power?", USC Center on Public Diplomacy, <https://www.usc.edu>.

Andrew. Butter, (2014) "U.S. Shale Oil is the New Swing-Producer: Output Forecast to 2020 Will Make Saudi Arabia Very Happy," The Market Oracle, <http://www.marketoracle.co.uk/Article48439.html>.

Bar, Shmuel. (2009) "Iranian Terrorist Policy and Export of Revolution." Paper presented at the Ninth Annual Herzliya Conference on the Balance of Israel's National Security and Resilience, Herzliya, Israel, <http://www.herzliyaconference.org/uploads/2903iranian.pdf>.

Behrendt, Sven. (2009) "The G20 and Saudi Arabia's Changing Foreign Policy Agenda." Carnegie Middle East Center, September 21, 2009. <http://carnegiemec.org/2009/09/21/g20-and-saudi-arabia-s-changing-foreign-policy-agend>.

Beranek, O. (2009) "Divided We Survive: A Landscape of Fragmentation in Saudi Arabia", Brandeis University, crown center for Middle East studies, No. 33.

Blanchard, Christopher M (2008) "The Islamic Traditions of Wahhabism and Salafīyya", Analyst in Middle Eastern Affairs Foreign Affairs, Defense, and Trade Division.

Cochrane, P. (2007) "Saudi Arabia's Media Influence", Arab Media & Society.

Ehteshami, Anoushiravan, (2015) "GCC Foreign Policy: From the Iran-Iraq War to the Arab Awakening", Middle East Centre: Collected Papers I Volume 1IPP: 13-23.

Gallarotti, Giulio. (2011) "Soft Power, What It Is, Why It's Important, and the Conditions under Which It Can Be Effectively Used." Division II Faculty Publications, <http://wescholar.wesleyan.edu/div2facpubs/57>.

Gallarotti, Giulio., and Al-Filali Isam Yahia. (2012) "Saudi Arabia's Soft Power." International Studies 49, no. 3-4,233-261. <http://isq.sagepub.com/>

content/49/3-4/233 .short?rss=1&ssource=mfr.

Grumet, Tali R. and Joseph, Szyliowicz. (2015) "New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry" University of Denver Digital Commons @ DU: [http:// digitalcommons.du.edu/etd](http://digitalcommons.du.edu/etd).

Kammer, Alfred., and Traa Bob. (2014) "Saudi Arabia (IMF Country Report no. 14/292)". Washington, DC: International Monetary Fund, September 2014. <http://www.imf.org/external/pubs/ft/scr/2014/cr14292.pdf>.

Keohane, Robert and Nye, Joseph S. (1998) "Power and Interdependence in the Information Age", in: Foreign Affairs, Vol. 77, No. 5.

Loi, Charles and Anthony H. Cordesman (2011), "competition between the US and Iran in Iraq", Center for Strategic and International Studies, at: http://csis.Org/files/publication/110302_Comp_between_US_Iran_in_Iraq.Pdf.

Mahmalat, Ellinor Zeino, (2012) "Saudi Arabia's and Iran's Iraq Policies in the Post-Gulf War Era", Datum der Disputation: Hamburg 2012.

Nye, Joseph.(2004) "Soft Power: The Means to Success in World Politics". New York: Public Affairs, 2004.

Phillips, Christopher, (2015) "Gulf Actors and the Syria Crisis", Middle East Centre: Collected Papers | Volume 11. PP: 41-52.

Prados, Alfred B. and Blanchard, Christopher M. (2007) "Saudi Arabia: Current Issues and U.S. Relations" (CRS Order Code IB93113). Washington, DC: Congressional Research Service.

Shoult, Anthony, and Salman Sami T.(1999) "Doing Business with Saudi Arabia". London: Kogan Page.

Wehrey, Frederic. and Others. (2009) "Saudi-Iranian Relations Since the Fall of Saddam Published" 2009 by the RAND Corporation, 1776 Main Street, P.O. Box 2138, Santa Monica, CA 90407-2138, 1200 South Hayes

Street, Arlington, VA 22202-50504570 Fifth Avenue, Suite 600, Pittsburgh, PA 15213-2665 <http://www.rand.org>.

William, W. Cooper, and Piyu, Yue. (2008) "Challenges of the Muslim world: Present, future and past". Vol. 19, Emerald Group Publishing.